

## تاریخچه

فارابی، فیلسوف بزرگ اسلامی، آنجا که از تحصیلات خود سخن می‌گوید و از استادانش یاد می‌کند، اشاره‌ای کوتاه دارد به ظهور حکمت و فلسفه در یونان و نشر و انحطاط آن در اسکندریه می‌نویسد: متقارن ظهور اسلام، تعلیم از اسکندریه مصر به انطاکیه منتقل شد و مدتی گذشت و کار کسادی حکمت به آنجا کشید که در انطاکیه هم جز یک معلم نماند. علت این انحطاط را ابن ندیم، کتابشناس فرزانه قرن چهارم، به کوتاهی و صراحت در کتاب الفهرست خود بازگفته است: «دانش در یونان و روم رایج بود تا وقتی روم به مسیحیت گرایید، در آن وقت قدغن شد، بعضی از کتب را سوختند و بعضی دیگر را مخفی کردند و مردم از بحث عقلی ممنوع شدند، زیرا آن را بر ضد شرایع می‌دانستند.» دانش دوستی که در قدیم آن را به فلسفه تعبیر می‌کردند، در یونان شکوفا شد و از عصر یونانی مآبی (هلنیستیک) در خاور نزدیک پراکنده گشت و در اسکندریه مصر درخشندگی یافت و آنگاه کم‌کم پژمرد و خاموش شد تا آنکه بار دیگر در دوران اسلامی در بغداد شعله کشید. علل این فراز و فرود دانش‌جویی و این شکوفایی و پژمردگی را از جنبه‌های گوناگون می‌توان تحلیل کرد که در اینجا از یک جنبه آن یاد می‌کنم و آن باز و بسته بودن جامعه است.

اصطلاح جامعه یا مذهب باز و جامعه یا مذهب بسته از هانری برگسون فیلسوف فرانسوی است. جامعه بسته در حصار اصول و عقاید و رسوم و اشکال خود محصور است. جهان در

چشم انسانی که در یک جامعه بسته زندگی می‌کند جهانی است محدود، کوچک، و راکد؛ عالم یک سفینه شخصی است و در ورای مرزهای آن که اندکی از مرزهای وطن دورتر است، جز عدم یا ابهام مطلق تسخیر ناپذیرد؛ جز ظلمات، هیچ نیست. جامعه باز، برعکس، حصارها را در هم شکسته، جهان را پهناور و همواره در تغییر می‌بیند و این خود عامل تحول و دگرگونی دائمی و غنا و رشد مداوم می‌گردد. اسلام و جامعه اسلام و جامعه اسلامی در قرنهای دوم و سوم و چهارم هجری نمونه چنین جامعه و مذهب بازی بود. و در همین جامعه باز بود که نیاکان ما، از مؤلف و مترجم، شکوفا شدند و برجسته‌ترین آثار علمی و ادبی را پدید آوردند و یکی از درخشانترین تمدن‌های بشری را آفریدند. و اینهمه البته باعث یونانی‌زدگی آنها هم نشد، خودباخته و حقارت پیشه نشدند، اصالت خود را حفظ کردند، ولی در جهالت خود هم اصرار نورزیدند.

کتاب همواره یکی از بارزترین جلوه‌های ذوق و اندیشه مردم ایران زمین بوده است. مقامی که کتاب از حیث معنوی در اسلام داشته، باعث گردید که کتاب در سراسر تاریخ فرهنگ اسلامی ما مهمترین ابزار فکری و هنری شود. از تألیف و نوشتن کتاب گذشته، خطاطی و تذهیب و صحافی و جلدسازی کتاب هم لطافت روح این فرهنگ را باز می‌نماید. امروزه هر خواننده‌ای از اینهمه ذوق و زیبایی و ظرافت که در نسخ خطی می‌بیند به وجد می‌آید و از اینکه تعلق به فرهنگی دارد که چنین دنیایی ملکوتی آفریده است احساس سپاس و ستایش می‌کند.

سپاس و ستایش از نویسندگان و هنرمندانی که خالق این آثار بوده‌اند و اینک حاصل کارشان را در چنین کتابهای نفیس و زیبایی باز می‌یابیم. کتابهایی که گاه در دورافتاده‌ترین روستاها تألیف یا استنساخ شده بود. و اینهمه البته به علت فداست و حرمتی بوده است که در گذشته برای کتاب و صاحب کتاب و اهل قلم قائل بودند. نویسندگان و مؤلفان کتاب در جامعه قدر و احترام داشتند، با حرمت به آنها می‌نگریستند، فقر و بی‌چیزی از پایگاه والای اجتماعی‌شان نمی‌کاست. کلام مکتوبی که از قلم آنها جاری می‌شد، در چشم همگان حقیقت مقدسی بود که از رازهای نهان پرده برمی‌داشت. آیا در جامعه امروز، پدیدآوردندگان کتاب، نویسندگان و مؤلفان ما، این ارج و قرب را دارند؟ جایگاه فرهنگ مکتوب و خالقان این فرهنگ در ایران مدرن یا نیمه مدرن امروزی کجاست، چه مشکلات و محدودیتها و موانعی بر سر راه آنست و اصولاً جامعه ما تا چه حد پذیرای فرهنگ مکتوب است؟ می‌کوشم اجمالاً به این پرسشها پاسخ دهم.

نویسنده خالق کتاب است، اما کتاب چیست؟ اختراع خط و الفبا بی‌شک یکی از مهمترین دستاوردهای بشری بوده است. با این اختراع، بشر بر گذر زمان، که مدام همه چیز را می‌شوید و با خود می‌برد، چیره شد؛ به جای حافظه فردی و میرا و خطاپذیر، حافظه‌ای جمعی و پایدار و



کامران فانی


دگرگون ناپذیر پدید آورد و، با ثبت و ضبط دانسته‌ها و دانشهای هر نسل، آن را به نسلهای آینده انتقال داد و مدام بر انبوه تجارب بشری افزود. هر دانش و دانسته مضبوط ثبت شده را کتاب می‌نامند، چه بر سنگ و پوست درخت نوشته شده باشد، چه بر کاغذ، و چه بر لوح فشرده الکترونیکی. و هر کتاب نویسنده‌ای دارد که به نوشتن می‌پردازد، نویسنده‌ای که برای زمان حال به خوانندگانی هم‌دل روی می‌آورد و برای زمان گذشته با مردگان نامی عهدی عارفانه می‌بندد و برای زمان آینده به افسانه افتخار پناه می‌برد. او به همه زمانها تعلق دارد. مک‌لوهان، پژوهنده برجسته علوم ارتباطات، به دو نوع رسانه معتقد است: رسانه سرد و رسانه گرم. رسانه سرد، همچون رادیو و تلویزیون، ارتباطی یک جانبه ایجاد می‌کند، بیننده و شنونده در مقابل آن منفعل و پذیراست، و هیچگونه فعالیت یا خلاقیتی ندارد. برعکس در رسانه گرم، که کتاب نمونه بارز آنست، ارتباطی دو سویه وجود دارد. کتاب به ظاهر چیزی جز علائم بی‌جان، حروفی سربی بر متن کاغذی سپید نیست، بی‌هیچ معنایی. این خواننده است که با خواندن خود به این علائم جان می‌بخشد، گویی رگهای خود را می‌گشاید و خون گرمش را بر این شیارهای سرد جاری می‌کند و به آنها حیات و زندگی می‌دهد تا با او سخن بگویند. با هیچ رسانه دیگری نمی‌توان چنین رابطه‌ای گرم و صمیمی ایجاد کرد. کتاب از این نظر یکتا و یگانه است. خلق کتاب مبنایش بر آزادی نویسنده است که به نوبه خود دعوتی است از آزادی خواننده. آینده‌ای است که نویسنده

در برابر خوانندگانش می‌نهد. آینه‌ای سحرآمیز که مجذوب و رسوا می‌کند. نویسنده و مترجم کتاب در جامعه امروز ما، که در معرض توفان سهمگین مدرنیسم قرار گرفته، وظیفه و تکلیفی بس دشوار به دوش دارد.

تاریخ دویست ساله اخیر ایران، از زمانی که ما بطور جدی با تمدن مدرن آشنا شدیم، در واقع سرگذشت اشتیاق سوزان گروهی نویسنده و مترجم نخبه است که کوشیده‌اند خود و جامعه‌شان را از زیر بار یک سنت غنی و قدیمی ولی دست و پاگیر نجات دهند و راهی نو بیابند. ملک‌الشعراى بهار حدود ۸۰ سال پیش این بیت را سروده: یا مرگ یا تجدد و اصلاح - راهی جز این دو پیش وطن نیست. برای تحقق این آرزو نقش کتاب و پدیدآورندگان آن، که به یک معنی حامل و انتقال دهنده اندیشه‌های تازه هستند و حتی میراث گذشته را هم با نگاه و نگرشی نو در می‌یابند، بسیار اساسی است. در واقع، ورود و سیر مدرنیته را در ایران و تحولات و دگرگونی‌هایی را که در جامعه ما پدید آورده، می‌توان با بررسی فراز و نشیب کار نویسندگان و تألیف و ترجمه کتاب به روشنی بازشناخت. پدیدآورندگان کتاب برای ادای این تکلیف البته با مشکلات و موانع بسیار مواجه بوده‌اند، مشکلات و محدودیت‌هایی که آنها را باز می‌داشت تا بدرستی و بکمال آنچه را می‌خواستند انجام دهند. تنها با ایثار و گذشت و کوشش طاقت‌فرسا بود که، علی‌رغم اینهمه موانع، کارنامه پرباری از خود بجای گذارده‌اند و میراث مکتوب ما را غنا بخشیده‌اند که بحق شایسته سپاس و ستایش و قدردانی است. تألیف و تحقیق و ترجمه نیاز به ابزار کار و فراغ بال دارد. منابع و مآخذ تحقیق در دسترس نیست، کتابخانه‌های مجهز و کارآمد نداریم، یا اگر داریم خدمات آنها ناقص و نابسامان است. آزادی بیان محدود و مقید است و نویسنده مدام در این وادی لغزان و لغزنده سرگشته و سرگردان می‌ماند. فضای آزاد شرط اصلی خلاقیت است. آقای خاتمی، رئیس جمهور اندیشمند و آزاده ما، تعبیری زیبا در این باره دارند. به گفته ایشان، خداوند در خلاقیت خود آزاد است و انسان نیز که مظهر اسماء الهی است باید در خلاقیت خود که خلق کتاب نمونه بارز آنست آزاد باشد. بر اینهمه، مشکل نشر کتاب، بویژه کتابهای جدی و اساسی را نیز بیفزایید و مشکلات مادی و مالی نویسنده را. کمتر نویسنده و مترجم و پدیدآورنده کتابی است که در ایران از راه قلم بتوانند معیشت خود را تأمین کند و از عهده یک زندگی بسیار ساده و معمولی برآید. و از همه مهمتر، هر نویسنده‌ای خواهان پذیرش اثر خود است، می‌خواهد نقد و نظر دیگران را بداند، و حاصل عرق ریزی روح خود را ببیند. نقد کتاب در ایران اصولاً رونقی ندارد، گاه به گاه و تصادفی است. کمبود اطلاع رسانی درباره کتاب نیز مزید بر آنست. رسانه‌های گروهی - رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها - که مخاطبی وسیع دارند کمتر به معرفی کتاب می‌پردازند. در نتیجه خوانندگان و خوانندگان کتاب اطلاعی از کتابهای

منتشر شده مورد علاقه خود ندارند. البته کتابهای آموزشی و کاربردی و عامه‌پسند مشتریان خود را می‌یابند. در این میان تنها کتابهای جدی و اساسی است که مهجور می‌ماند و نویسندگان آن بیشترین صدمه را می‌بینند.

سخن آخر آنکه، جامعه امروز ما، بویژه نسل جوان، سرشار از سرزندگی و نوجویی است. یکی از نشانه‌های بارز این نشاط و نوجویی، رونق و شکوفایی دایره‌المعارف نویسی است که در سالهای اخیر رویداد مهمی در حیات فرهنگی ما بوده است. دایره‌المعارفها یا اصولاً کتابهای مرجع به یک معنی دماسنج فرهنگی هر جامعه‌اند. نشانگر آنند که آیا جامعه‌ای از گرمی و تحرک و پویایی بهره دارد یا سرد و فسرده و بی‌جان است. این کتابها پاسخگوی پرسشها و کنجکاوهای ما هستند. جامعه‌ای که کنجکاو و پرسنده نیست، پرسشی ندارد یا برای هر پرسشی از پیش پاسخی آماده فراهم آورده؛ راکد و مرده است. رونق در ایران امروز نشانگر آنست که جامعه ما جوینده و پرسنده شده است. بی‌تردید تمام نویسندگان و مترجمان دلسوز و متعهد که زندگی خود را شیفته‌وار وقف نوشتن کرده‌اند، با خلق آثار متنوع و ارزنده به این جویندگی و پرسندگی پاسخ مثبت خواهند داد و برگی بر کارنامهٔ پربار خود خواهند افزود.\*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی